

تأملی بر ساختارها و تحولات معماری خانقاه و آرامگاه شیخ شهاب‌الدین اهری در قرون ششم تا یازدهم هجری قمری

اسداله شفیع زاده^۱، محمدرضا ابراهیمی^{II}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2020.21496.2126
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴
نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۶۱-۲۴۳

چکیده

I. استادیار گروه معماری، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.
a-shafizadeh@iau-ahar.ac.ir
II. مربی گروه مهندسی معماری، دانشکده مهندسی ساختمان و معماری، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران.

در ادوار متعدد بعد از اسلام ایران، گروه ویژه‌ای از ابنیه آرامگاهی در گستره سرزمینی شکل گرفت که در تاریخ معماری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مجموعه «شیخ شهاب‌الدین محمود اهری» نیز از جمله این بناهای آرامگاهی با زمینه مذهبی است که به عنوان یکی از آثار ارزشمند معماری ایرانی اسلامی، نمونه‌ای قابل اعتنا در منطقه آذربایجان و شهر اهر است. بنای موصوف در کالبد خود در بردارنده فضاهایی هم چون: خانقاه، جماعت‌خانه، مسجد، مدفن، مدرسه و... است که به مرور زمان و در ادوار مختلف، آفرینش یافته‌اند؛ ولی به جهت نبود مطالعات کافی در زمینه معرفی و شناخت معماری و دوره‌های الحاق ساختمانی، ناشناخته مانده است. بر این اساس، پژوهش پیش‌رو به صورت توصیفی-تاریخی به منظور تحصیل وجوه مختلف معماری، سیر الحاقات و تکوین کالبدی این مجموعه، از طریق پاستخگویی و واکاوی حول این پرسش: ۱. مجموعه شیخ شهاب‌الدین، بر اساس ساختار معماری در زمره آثار کدام دوره قرار می‌گیرد؟ ۲. کیفیت معماری مجموعه، نحوه ساخت و ارزش‌های فنی این مجموعه چگونه است؟ شکل گرفته است. در این راستا، جهت کسب شناخت در حیطه کیفیت معمارانه بنا، ابتدا با دقت نظر در عناصر متشکله، یک بررسی میدانی در کل اثر صورت گرفت و سپس با رویکرد بازشناسی اسناد مکتوب، تعلق زمانی کالبد و دوره‌های ساختمانی اثر، مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفت. در نتیجه تحقیق، مشخص گردید که کیفیت معماری و آرایگان وابسته به آن در مجموعه، منطبق بر آراء معماری ایرانی اسلامی در منطقه آذربایجان است و بنیان آن به صورت بنایی منفرد با کارکرد مدرس و خانقاه در قسمت شرقی مجموعه بوده که بعدها حظیره، گنبدخانه، مسجد، ایوان به همراه حجره‌های وابسته و ضمایمی در محوطه پیرامون در برهه زمانی اواخر قرن شش تا نیمه اول قرن یازدهم هجری قمری ایجاد شده و در نهایت به بنایی دو ایوانی تبدیل می‌گردد. بر این مبنا، مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری، بنیادی چندمنظوره است که انسجام سازمانی و یکپارچگی کالبدی آن، تصویری از اندیشه بلند معماران اعصار یاد شده است.

کلیدواژگان: شیخ شهاب‌الدین اهری، مجموعه آرامگاهی، تحولات معماری، شناخت کالبدی، دوره‌های ساختمانی.

مقدمه

در سیر تکوین معماری اسلامی ایران و درمیان مجموعه‌های شهری و عام شکل‌گرفته، دسته بناهایی نیز مصنوع گردید که اساس توسعه آن‌ها بر مبنای موجودیت مدفن فرد شاخص از جریانات دینی و مذهبی بود؛ یعنی بنیان شکل‌گیری آن‌ها یک مقبره بوده که در همان زمان و یا در ادوار متأخر، بناهای جانبی دیگری به آن‌ها افزوده شده است. با این حال، روند شکل‌گیری این مجموعه‌ها یکنواخت نبوده و طی دوره‌های مختلف دارای فراز و نشیب‌های فراوان بوده است؛ اما از اواخر دوره سلجوقی و بعد از آن، به خصوص طی دوره ایلخانی با توجه به تغییر مذهب سلاطین مغول در ارتباط مستقیم با جریانات تصوف و هم‌چنین دوره تیموری، تحولات گسترده‌ای در عرصه سنت تدفین در مجموعه‌های علمی-مذهبی رخ داد (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۷). مجموعه شیخ شهاب با کارکرد مدرس و خانقاه، مدفن شیخ شهاب‌الدین محمود از مشایخ اهل تصوف بوده که در جنوب شهر اهر و بیرون از باروی دوره قاجاری، نزدیک دروازه تبریز واقع شده است. این اثر به دلیل دربرداشتن ساختارهای دوره‌های مختلف معماری ایرانی و ویژگی‌های خاص تاریخی و آرایگان بی‌بدیل در تزئینات معماری، نمونه‌ای مورد توجه است. اما عدم شناخت کافی در حوزه ساختار معماری و نیز ابهامات زمانی تکوین بخش‌های متشکله آن، امکان درک صحیح از بنا را میسر نمی‌سازد. بر این اساس، نوشتار حاضر قصد دارد در حوزه شناخت کیفیات معماری و تبیین سیر تحولات دوره‌های الحاق ساختمانی مجموعه شیخ شهاب در برهه زمانی اواخر قرن شش تا نیمه اول قرن یازدهم هجری قمری گفتار علمی را مطرح نماید؛ چراکه توسعه مجموعه پس از بنیان‌های اولیه، بدون طرح از پیش اندیشیده شده صورت پذیرفته، اما به گونه‌ای این اتفاق کاربست یافته که برای چرخه تکوین ساختاری در بخش‌های متنوع آن بازه‌ای کالبدی یا ذهنی که نشانگر وابستگی فرمی کلیت مجموعه به یک تجربه خاص معماران باشد، یافت نشد.

پرسش‌ها و فرضیات پژوهش: طبق موارد پیش‌گفته، پرسش‌های این نوشتار عبارتند از: (۱) مجموعه شیخ شهاب‌الدین، بر اساس ساختار معماری در زمره آثار کدام دوره قرار می‌گیرد؟ (۲) کیفیت معماری مجموعه، نحوه ساخت و ارزش‌های فنی آن چگونه است؟ بدین منظور، بررسی میدانی بنا و مطالعه منابع مکتوب مرتبط با موضوع پژوهش و واکاوی فضاهای معماری و فرم کالبدی بخش‌های متشکله، جهت شناخت ویژگی‌های معماری و دوره‌های تکوینی بنا امری بود که در ابتدا می‌بایست صورت می‌پذیرفت. در این بین در جریان گمانه‌زنی‌ها و مرمت‌های سال‌های اخیر و هم‌چنین بررسی متقدم‌ترین اسناد تصویری از مجموعه و پیرامون آن، ساختار و زوایای جدیدی از بنا و ضنائم الحاقی هویدا گردید که در نتیجه مداخلات ادوار گذشته از نظرها پنهان گشته بود؛ به این ترتیب، توانست به روشنگری در خصوص بخش‌هایی از ساختار معماری و تعلق زمانی آن در مجموعه بپردازد. در پژوهش پیش‌رو، سعی گردیده با روش کیفی توصیفی-تاریخی با رویکرد بازشناسی اسناد مکتوب، مشاهدات عینی و تلفیق داده‌های باستان‌شناسی، کیفیات معماری عناصر فضایی و تعلق زمانی کالبدی اثر مورد بررسی قرار گیرد و تحلیل‌های جامع‌تری نسبت به تنها پژوهش انجام‌یافته تاکنون در سال ۱۳۹۲ ه.ش. در

حوزهٔ تحولات کالبدی، ارائه گردید^۲ تا با هم‌پوشانی یافته‌های قبلی و حاضر، مسیر مطالعات آینده تثبیت و ممکن شود؛ بنابراین، براساس آن‌چه ذکر آن رفت، در مرحلهٔ اول پژوهش حاضر، بعداز بررسی پیشینه، به بازخوانی تاریخ شهر اهر و نحوهٔ مکان‌یابی مجموعهٔ شیخ شهاب در آن پرداخته شده است. در مرحلهٔ دوم، شناخت کیفیات معماری بخش‌های متنوع اثر به‌عنوان تبلور تأثرات اقتضائات جامعه در رخدادهای کالبدی آن مدنظر بود. در مرحلهٔ آخر نیز با جمع‌بندی اطلاعات جدید به‌دست آمده از کاوش‌ها و پی‌گردی‌ها و تطبیق آن با اسناد مکتوب تاریخی و نشانه‌های موجود، سیر تکوین تحولات معماری به درازای سبک آذری تا اصفهانی، تحلیل و مورد بررسی قرار گرفت.

روش پژوهش: با درنظر گرفتن این نکته که مسألهٔ تحقیق شامل رویکردی تاریخی است، روش مورد استفاده در این مقاله برای دست‌یابی به پاسخ‌های مناسب از نوع کیفی بوده که براساس رویکرد تلفیقی و به‌صورت توصیفی-تاریخی با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌ها و پیمایش‌های میدانی جهت شناخت و تحلیل ویژگی‌های معماری و دوره‌های تکوینی بنا، نمود یافته است؛ هم‌چنین حصول برخی اطلاعات کالبدی از طریق مطالعه وضع موجود اثر و به‌اتکاء مشاهدات عینی ممکن شده است.

پیشینه پژوهش

جستارهای مطالعاتی در شناخت پیشینهٔ پژوهش حاضر در دو گروه مختلف جای گرفته است؛ گروه اول، شامل سفرنامه‌ها و کتب تاریخی همانند، «حمداله مستوفی» (۱۳۸۱)، «ابن حوقل» (۱۳۶۶)، «ترکمان» (۱۳۵۰)، «ملا جلال‌الدین منجم» (۱۳۶۶)، «موریه» (۱۸۱۰ م.) و «حشری تبریزی» (۱۳۷۸) است، که در طی قرون میانی و متأخر اسلامی اشاراتی به ساختار شهر اهر و موقعیت آن داشته‌اند و در برخی از آن‌ها توضیحات مختصری حول معرفی مجموعهٔ یاد شده ارائه کرده‌اند. گروه دوم، شامل آثاری است که توسط برخی تاریخ‌نویسان معاصر آذربایجان هم‌چون: «کارنگ» (۱۳۵۳)، «دییاج» (۱۳۴۶)، «مشکور» (۱۳۴۹)، «بایبوردی» (۱۳۴۱)، «ترابی طباطبایی» (۱۳۸۴) و باستان‌شناسانی هم‌چون «کامبخشی‌فرد» (۱۳۴۵) نوشته شده است. در بررسی هریک از منابع فوق، دربارهٔ موضوع نوشتار حاضر، بخشی از کلیت معماری مجموعهٔ شیخ شهاب در کنار نحوهٔ شکل‌گیری یا تحولات ساختاری شهر بیان گردیده، اما درخصوص کیفیت معمارانهٔ کالبد اثر به‌صورت جامع و نیز سیر تحول در دوره‌های ساختمانی آن مطلبی عنوان نشده است. اما، در مقاله‌ای با عنوان «بازشناسی تاریخی تحولات معماری در ارسن مجموعهٔ شیخ شهاب‌الدین محمود اهری» که در سال ۱۳۹۲ منتشر گردید و پیش‌تر نیز بدان اشاره شد^۲ برای نخستین بار، دوره‌شناسی مجموعه با تکیه بر اسناد تاریخی مورد واکاوی قرار گرفته است. در تحقیق موصوف، ضمن معرفی پیشینهٔ مجموعه و جایگاه عرفانی شخص مدفون در آن، مراتب تکوین کالبدی اثر در ادوار مختلف تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است و در نتیجهٔ آن مشخص گردید آفرینش مجموعه در عهد ایلخانی و با کارکرد خانقاه بوده که به مرور اجزاء ساختمانی متأخری هم‌چون: معجر سنگی، گنبدخانه، ایوان شرقی و... در همان دوران و نیز در اعصار تیموری تا

صفوی به خانقاه اولیة الحاق گشته‌اند. اما در این روند اشاره‌ای به ساختار معمارانه و کالبدی اثر صورت نپذیرفته که این خود باعث مغفول ماندن برخی جزئیات در تحولات معماری مجموعه شده است؛ مانند عدم پرداخت به ساختارهای دوره سلجوقی و نیز هم‌دوره دانستن آفرینش خانقاه اولیه و مسجد مجموعه می‌باشد که طی مطالعات جدید، دوره‌های زمانی متفاوتی برای ایجاد آن مشخص گردید. بر این مبنا، سعی بر آن بود با تکیه بر مستندات نوشتاری و تصویری تاریخی و پی‌گردی‌های جدید، مطالعه‌ای واسع و جامع‌تر نسبت به پژوهش یاد شده در حوزه شناخت ساختار معماری صورت پذیرد و با دقت نظر در یافته‌های نو، بخشی از ابهامات در بطن کالبد و سیر تحولات ساختمانی بنا روشن و هم‌چنین اصلاح گردد و شناختی کامل‌تر از بنا حاصل شود.

پیشینه تاریخی و موقعیت مکانی مجموعه

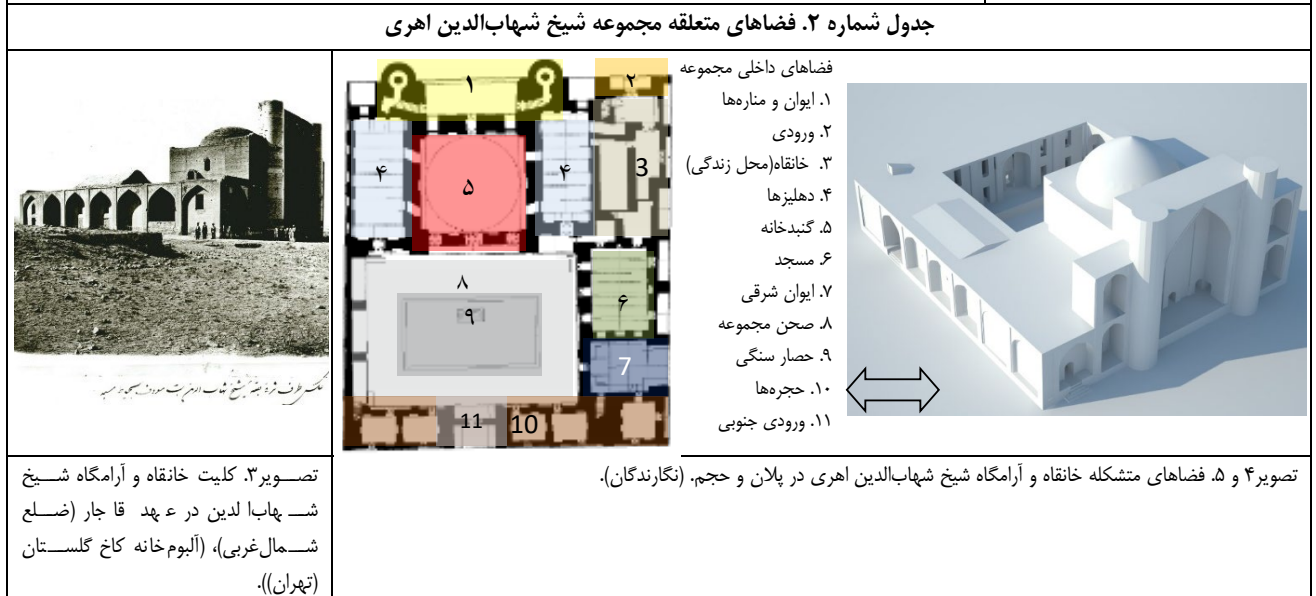
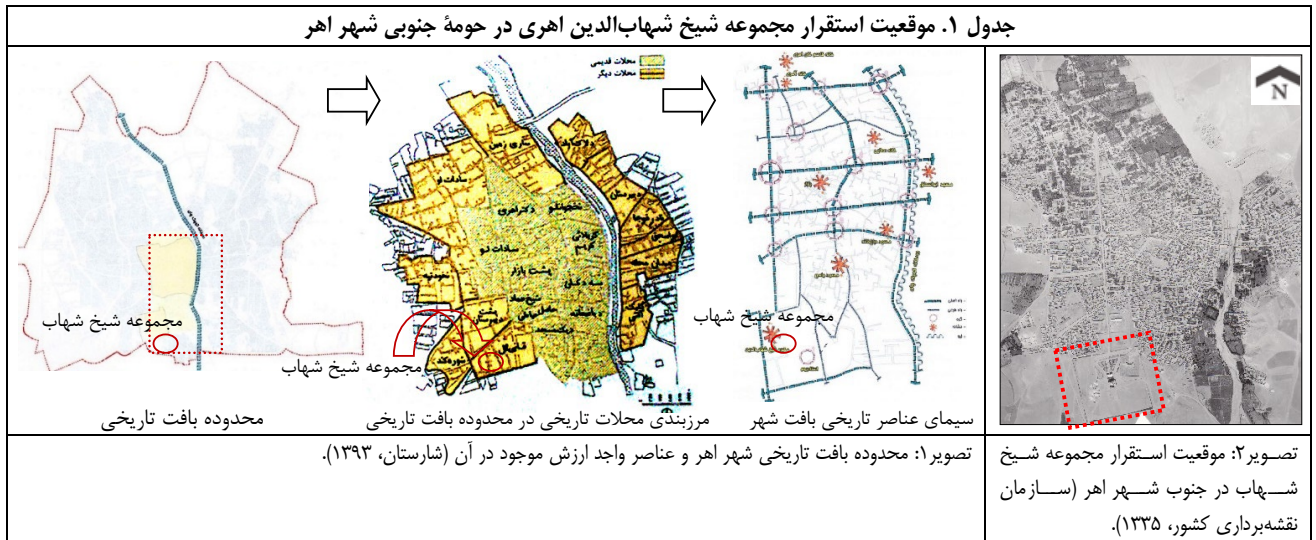
به گواهی منابع تاریخی و آثار برجای مانده، شهر اهر پیشینه‌ای از هزاره دوم و سوم پیش از میلاد دارد^۲ و در گذشته‌های نه‌چندان دور به‌عنوان شهری که از یک سو ارتباط دو شهر مهم اردبیل و تبریز؛ و از سوی دیگر، ارتباط فلات ایران را در شمال غرب با مرزهای شمالی فلات برقرار می‌ساخت دارای بنیان‌های مهم شهری هم‌چون: مسجد جامع (عهد سلجوقی)، بازار سرپوشیده تاریخی (عهد قاجار) و آرامگاه و خانقاه شیخ شهاب‌الدین به‌عنوان یکی از معماری‌های شاخص تاریخی با بار هویتی در طول دوران اسلامی است. حال، برای شناخت دقیق‌تر مجموعه شیخ شهاب‌الدین باید موقعیت آن را در مقایسه با بافت قدیم شهر مورد شناسایی قرار داد، آنگاه شاید بتوان دلیلی برای موقعیت خاص آن در حدنهایی بخش جنوبی شهر، خارج از باروی قاجاری آن بازجست. شهر اهر دارای چهار دروازه بود که به‌وسیله چهار مسیر اصلی به مرکز شهر هدایت می‌شده است (نژادابراهیمی، ۱۳۸۱: ۳۴) و بافت قدیم شامل بخش‌های جنوبی و مرکزی شهر فعلی بوده و هسته مرکزی آن را، شامل بازار تاریخی و مسجد جامع و چند حمام تاریخی؛ دروازه تبریز در بخش جنوب غربی بارو به مجموعه شیخ شهاب‌الدین پیوند می‌دهد. در رابطه با مکان یابی مجموعه خارج از محیط شهری و جدا از روند توسعه شهرسازی نیز، با تکیه بر یک فرضیه قوی علمی می‌توان چنین برشمرد: شناخت مجموعه مذکور، در ورودی شهر اغلب برای مسافران و صوفیان، آسان‌تر بود؛ هم‌چنین با زیاد شدن تعداد مریدان و فراوانی مسافران، امکان گسترش ساختمان به هر نسبتی وجود داشت. نیز، سالکان خواستار گوشه‌ای آرام و خلوت و فضایی معنوی بودند و خانقاه به سبب فعالیت‌هایی که در آن منظور بود، بایستی در نقطه‌ای دور از غوغای عام به وجود می‌آمد؛ لذا، خانقاه‌های متقدم، از شهر دورند و به لحاظ القای حس، رهبانیت و گوشه‌گرفتن از خلق را به ساکنان خود القا می‌کنند (کریمی ملایر و گذشته، ۱۳۹۶: ۷۱)؛ بنابراین با رجوع به آراء و نوع آموزه‌های شیخ و سلسله مریدان وی^۵ و آثار معماری برجای مانده در محوطه پیرامون مجموعه، نشان از قدمت و رونق کارکردی آن در مدخل شهر در گذشته دارد^۶ (جدول ۱).

توصیف کلی مجموعه شیخ شهاب‌الدین

مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری با جهت‌گیری جنوب‌شرقی-شمال‌غربی، محصور در حصار خشتی به ابعاد حدوداً ۳۱۰ (شمالی-جنوبی) × ۲۸۰ متر (شرقی-غربی) قرار دارد. بنا به صورت دو ایوانی و برون‌گرا بوده و در نمای خارجی علاوه بر ایجاد کاربندی‌هایی در ایوان شمالی و ورودی‌های شمالی، جنوبی و بدنه غربی صحن، بیشتر به وسیله فرورفتگی و بیرون‌زدگی‌ها بنا را آراسته‌اند. این مجموعه در حال حاضر از منظر ساختمانی دارای فضای گنبدخانه با گنبدی تک‌پوسته در زمینه هشت‌ضلعی که از نظر تناسبات معماری درخور توجه است، با ایوانی رفیع به همراه دو مناره در بخش شمالی، ایوان شرقی، خانقاه و مسجد در بخش شرقی، حجره‌های اقامتی در بخش جنوبی و مدفن شیخ شهاب در صحن مجموعه و در داخل حصار سنگی مشبک است. ورودی اصلی آن در ایوان شمالی (جانب شرقی) و دیگری در ضلع شرقی (ایوان شرقی) و ضلع جنوبی (ورودی جنوبی) است. از تزئینات بی‌بدیل مجموعه نیز می‌توان به محجره سنگی با ردیف مقرنس‌کاری شده حول حظیره (قبر)، گچ‌بری‌های مربوط به محراب مسجد، کاربندی‌های پیرامون صحن و ایوان شمالی، کاشی‌کاری‌های در زمینه فیروزه‌ای روی ضلع شمالی که در حال حاضر بخش اعظم آن از بین رفته، گره‌چینی موجود در بدنه مسجد خانقاه و دست‌نوشته‌های مربوط به دوره‌های تاریخی مختلف در مسجد و خانقاه، اشاره کرد (جدول ۲).

تحلیل کارکردی فضاهای معماری مجموعه شیخ شهاب

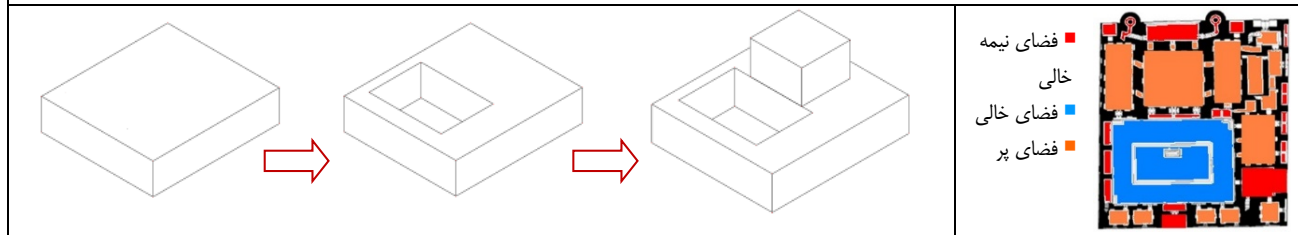
مواردی که با تکیه بر آن می‌توان به تبیین یک بنا پرداخت، صرفاً مسائل مرتبط با کالبد و اجزای مرئی آن نیستند؛ بلکه مجموعه رخدادها و حوادث مؤجد خاطرات رخ داده، نوع فعالیت، روایات شفاهی، افراد و شخصیت‌هایی که به‌گونه‌ای با آن نسبت و یا دخل و تصرفی داشتند، به هر اثر جایگاه خاصی می‌بخشد و می‌تواند تداعی‌کننده فرمی از اشکال هویتی جامعه و نیز نمادی از معماری و هویت بصری شهر باشد. بر این مبنا، در مجموعه یاد شده تحقق سازمان و سازوکارها و آداب خانقاهی نیاز به مکانی داشت. بنای خانقاه بایست چنان می‌بود که عناصر خانقاه به نیکویی در آن بنشیند و تحقق یابد و این نیازمند ویژگی‌هایی در طرز استقرار بنا و نیز ویژگی‌هایی در درون و ترکیب اجزای آن بود^۷. قرابت فرمی این بنا در جای‌گیری فضاها با الگوی مدارس ازسویی، و سنت هم‌جواری مدارس یا خانقاه با آرامگاه عرفا، صحت خانقاه نامیده شدن این بنا را قوت می‌بخشد^۸. در دسته‌بندی کاربردی واحدهای معماری نیز توجه به عملکردهای عبادی، ارتباطی و زندگی در تعریف و تحدید نحوه پراکنش واحدهای آن، نمونه‌ای قابل‌اعتناست؛ لذا، با دقت در محتوای کارکردی سازمان فضایی خانقاه شیخ شهاب چنین برمی‌آید که قرارگیری و چیدمان مکان‌ها در طرح براساس اصول و باورهای اعتقادی آئین تصوف و با تأکید بر نمادهای اسلامی همراه با نورپردازی و رنگ‌پردازی (آبی فیروزه‌ای) بوده که متناسب با روند تکون عرفان و تصوف است^۹؛ بدین ترتیب، فضاهای معماری در مجموعه شیخ شهاب از نقطه نظر کارکرد خانقاهی به صورت اجمالی شرح داده شده است^{۱۰} (ر. ک. به: جدول ۳).



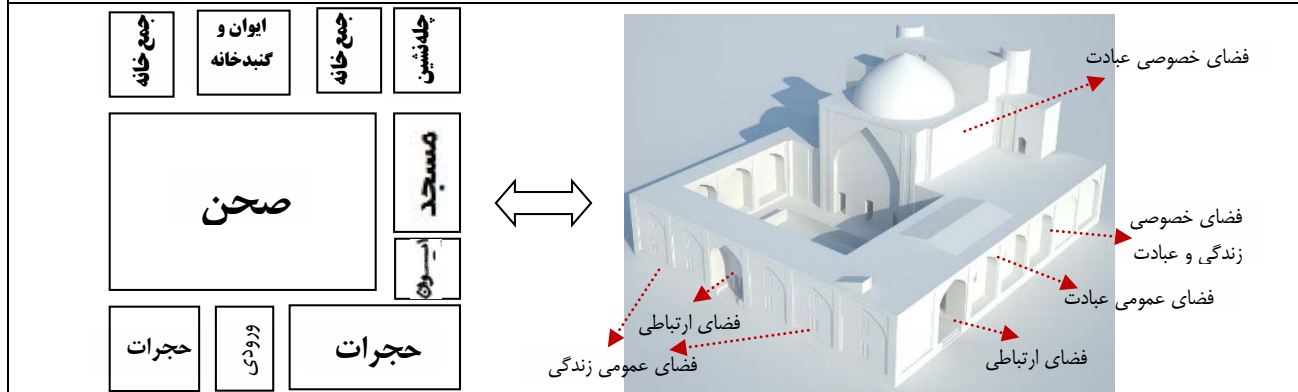
بازشناسی ساختار معماری

یک اثر همواره نشانگر هنجارهایی از عهد آفرینش خود می‌باشد که طبعاً انتقال این ویژگی‌ها نوعی تداعی ارزش است. بر این اصل، ساختار بنای شیخ شهاب شامل عناصر معمارانه متنوعی است که در ترجمان معماری، می‌تواند یکپارچگی و پیوند خود را با کلیت مجموعه نشان دهد. در این میان، آنچه که این هنجارها را با اندیشه‌ای انتظام یافته می‌نمایاند، امتزاج قوام یافته عناصر سازه‌ای و آمودی در ساختار نیارشی بوده که در نهایت باعث لذت و انبساط خاطر است که بعد از ادراک و یا تداعی آن فضای اثر به مخاطب دست می‌دهد. در پیمایش میدانی ساختار معماری مجموعه، نمود شاخصه‌ها، فنون و اصول اجرایی معماری ایرانی-اسلامی در پس‌زمینه کالبد آن جلوه‌گر است؛ از جمله این فنون می‌توان به استفاده از نسبت طلایی در پیکره‌بندی اجزاء کالبدی (ایوان شمالی و صحن)، نظام تناسب هندسی در پلان (مبتنی بر آرش)، کاربست صندوقه‌چینی^{۱۱} در سبک‌سازی پوشش

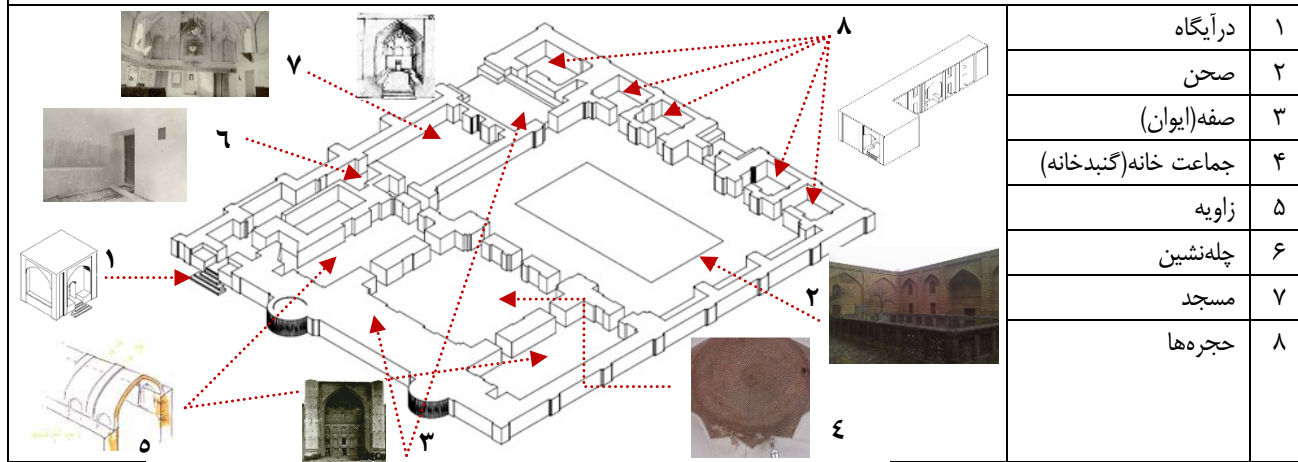
جدول ۳. سلسله مراتب فضایی در ساماندهی کالبد بنای شیخ شهاب



تصویر ۶-۹. ترکیب اجسام با اشکال منتظم در ساخت مجموعه و فضای پر و خالی آن



تصویر ۱۰. ترکیبات هندسی و سلسله مراتب فضایی و نوع کارکرد فضاهای متشکله مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری (نگارندگان).

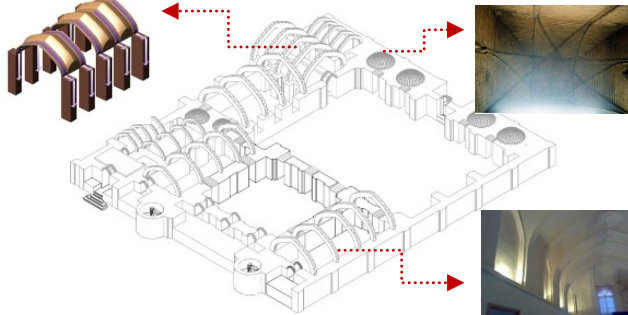
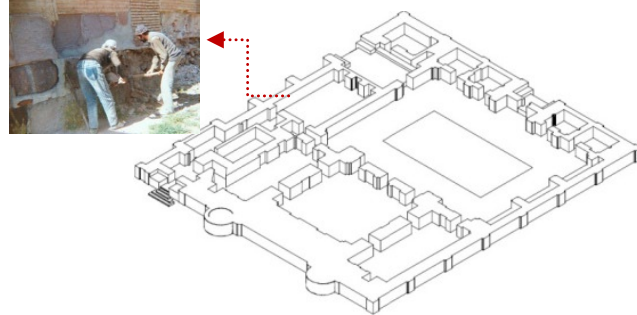
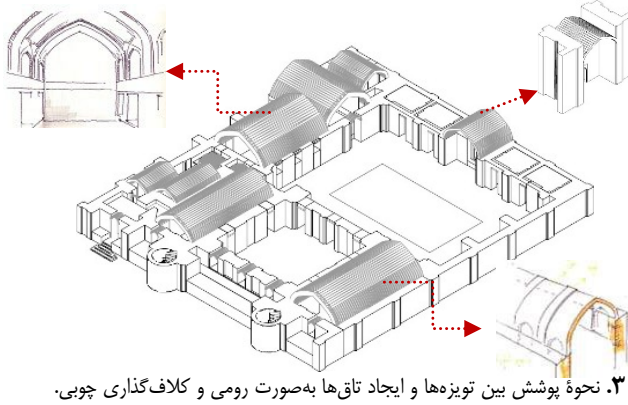
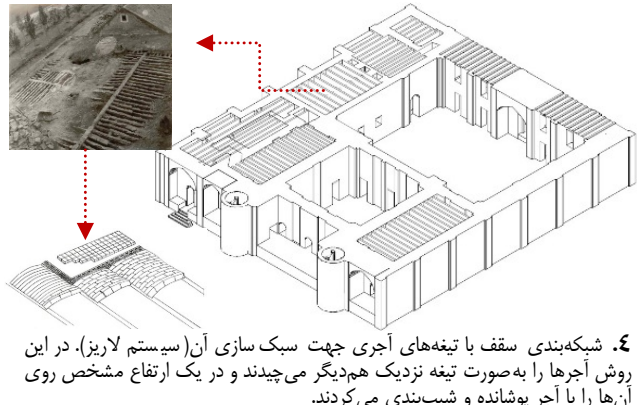
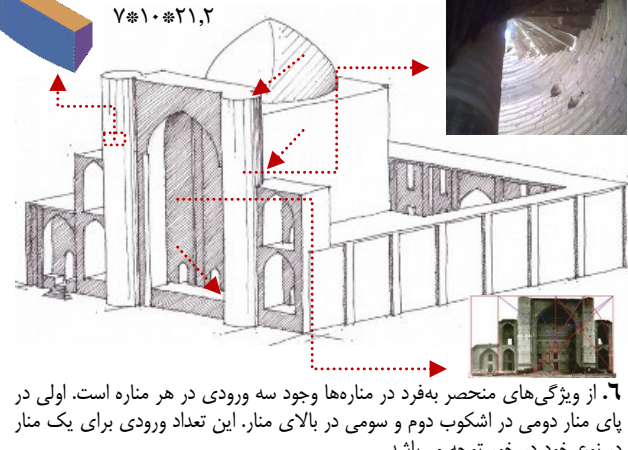
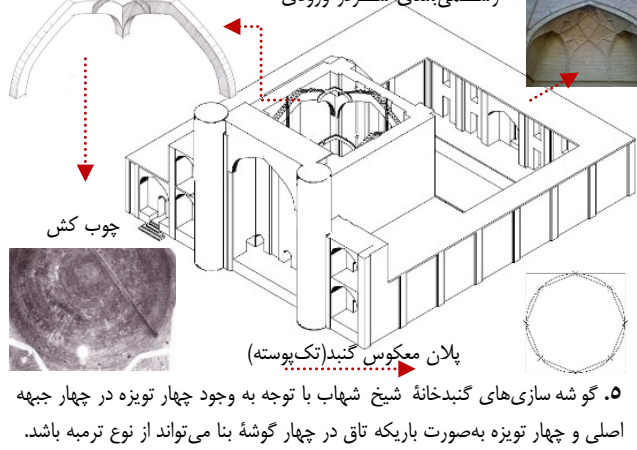


تصویر ۱۱: فضاهای کالبدی خانقاه شیخ شهاب‌الدین اهری (نگارندگان).

بنا، فنون خاص تاق‌زنی و به‌کار بردن گوشه‌سازی ترمبه در تبدیل دهنه چهارضلعی به هشت ضلعی برای ایجاد گنبد و جای‌گذاری چوب کش برای استحکام آن، مقرنس‌کاری بی‌بدیل سنگی در حظیره مجموعه^{۱۲} و... اشاره نمود. در ادامه و در تحلیل موارد، سیر تکوین ساختاری اثر، بدون در نظر گرفتن دوره‌های ساختمانی (مطالعات گاهنگارانه) ارائه شده است (ر. ک. به: جدول ۴).

آن‌چه مسلم است، نوع تناسبات بنا و درهم‌تنیدگی اجزای کالبدی، در کنار هم، دو خاصیت مفهومی در ادراک فضایی و عملکردی توأمان را باعث شده‌اند. برخی فضاها چنین به نظر می‌رسد جهت تأکید بر عنصری خاص و با بار مفهومی احداث شده‌اند، همانند: رسمی‌بندی‌های مجموعه؛ برخی نیز براساس نیاز

جدول ۴. سیر تکوین ساختاری اثر، بدون در نظر گرفتن دوره‌های ساختمانی

 <p>۲. در مجموعه شیخ شهاب پوشش‌ها با استفاده از سیستم تاق و تویزه (تاق خوانی مرکب) ایجاد گشته و زیر عرق چین‌ها را با کاربندی‌هایی از جنس آجر پوشش داده‌اند.</p>	 <p>۱. شالوده بنا بر روی زمین دج با استفاده از سنگ‌های لاشه و ملات آهک بنا شده است، که لایه‌هایی از سنگ پاکتراش بر روی آن به عنوان کرسی چینی قرار داده شده است.</p>
 <p>۳. نحوه پوشش بین تویزه‌ها و ایجاد تاق‌ها به صورت رومی و کلاف‌گذاری چوبی.</p>	 <p>۴. شبکه‌بندی سقف با تیغه‌های آجری جهت سبک‌سازی آن (سیستم لاریز). در این روش آجرها را به صورت تیغه نزدیک هم‌دیگر می‌چینند و در یک ارتفاع مشخص روی آن‌ها را با آجر پوشانده و شیب‌بندی می‌کردند.</p>
 <p>۶. از ویژگی‌های منحصر به فرد در مناره‌ها وجود سه ورودی در هر مناره است. اولی در پای منار دومی در اشکوب دوم و سومی در بالای منار. این تعداد ورودی برای یک منار در نوع خود در خور توجه می‌باشد.</p>	 <p>۵. گوشه‌سازی‌های گنبدخانه شیخ شهاب با توجه به وجود چهار تویزه در چهار جبهه اصلی و چهار تویزه به صورت باریکه تاق در چهار گوشه بنا می‌تواند از نوع ترمبه باشد.</p> <p>۱۷-۱۲. تصویر نمایش ساختار ایستایی و نیارشی مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری (نگارندگان).</p>

کاربردی (استحکام سازه‌ای) همراه با بار مفهومی (نشان بصری) شکل گرفته‌اند، مانند: مناره‌ها. نکته‌ای که در طراحی فضاهای این بنا مورد توجه قرار گرفته است، خلوص هندسی فضاها و حتی جز فضاها می‌باشد. معمار اصرار داشته است که همه فضاها به نحوی هندسه منتظم (مربع یا مستطیل) باشند؛ گرچه به این قیمت تمام شود که جرزها شکل‌های نامانوسی به خود بگیرند. تمام فضاها به صحن راه دارند و هر کدام از این‌ها به نحوی طراحی شده‌اند که تقریباً به همه قسمت‌های

بنا دسترسی و ارتباط داشته باشد. در بحث تناوری بنا منطبق بر آرای معماری ایرانی اسلامی نیز می‌توان اندیشه انتظام یافته در ترکیب هنجارهای متنوع کالبدی بنا را در چگونگی فرارگیری فضای پرو و خالی نسبت به هم، چگونگی برخاست اثر به سوی آسمان در ارتباط با درون و بیرون آن (فرم‌پذیری بنا)، ریشه دوانیدن در زمین (کاویدن زمین)، چگونگی انتظام فضایی (ایجاد تحرک فضایی)، کمال‌گرایی (استفاده از طرح ایوان)، تقارن، تناسب، توازن و... نمایان ساخت.

الحاقات و دوره‌های ساختمانی بنا

گرچه اکثر صاحب‌نظران این اثر را متعلق به اوایل عهد صفوی دانسته‌اند، اما در رابطه با تاریخ دقیق احداث برخی بخش‌های بنا اختلاف نظرهای جدی وجود دارد. «آندره گدار» (معمار و پژوهشگر فرانسوی) زمان احداث کلیت مجموعه را اوایل دوره صفویه دانسته^{۱۳} و بعدها «دیباچ»، «کارنگ» و «ترابی طباطبایی» این مسأله را تأیید کرده‌اند، این در حالی است که بررسی‌های میدانی در اجزای کالبدی و عناصر سازند بنا، تحلیل گزارش‌های مرمتی مجموعه از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ ه.ش.، یافته‌های باستان‌شناسی، جستارهایی در اشارات منابع معتبر تاریخی و معاصر، نشان از احداث مجموعه به صورت تدریجی در بازه زمانی اواخر قرن ششم تا اواسط قرن یازدهم هجری قمری در ادوار ایلخانی تا صفوی دارد. بر این اساس، سعی گردید در ادامه یک مطالعه هم‌زمان در حوزه دوره‌بندی ساختمانی بنا ملحوظ نظر قرار گیرد. معیارهای مورد استفاده در این دوره‌شناسی ساختمانی عبارتند از: اصول ساختاری و جزئیات کالبدی معماری، اسناد تاریخی، دست‌نوشته‌های تاریخ‌دار در مجموعه و اسناد باستان‌شناختی. روشن است که در این روند، توجه به بُعد تاریخ و زمان و منتج از آن شناخت بنا در دوره‌های متعدد تاریخی، امری لازم و ضروری است، که از نتایج آن می‌توان کسب آگاهی از قسمت‌های تخریب شده، شناخت دوره‌های ساختمانی و... را برشمرد. به‌طور کلی کالبد و آثار معماری موجود در خانقاه و آرامگاه شیخ شهاب را می‌توان منتسب به سه دوره ساختمانی دانست؛ الف) آثار ساختمانی شامل بقایای معماری و داده‌های سفالی متنوع متعلق به پیش از زمان ساخت ینای اصلی، ب). آثار معماری متعلق به بنیان اولیه و اصلی، ج). الحاقات پس از هسته اولیه (جدول ۵).

بر این مبنا، بررسی موشکافانه بخش‌های متنوع بنا و تحلیل تحولات ساختمانی و عمرانی آن، به شناخت قسمت‌های متقدم و الحاقات متأخر و دیگر عناصر معماری موجود و یا مستتر در پیرامون مجموعه (محوطه بیرونی) منجر گشته است.

آثار ساختمانی متعلق به پیش از زمان ساخت بنای اصلی: در مورد آثار و بقایای ساختمانی پیش از احداث خانقاه و آرامگاه شیخ، باید توجه نمود که این بخش تماماً زیر خاک قرار دارد و خصوصیات آن ناشناخته است. اواخر سال ۱۳۹۷ ه.ش. به هنگام تثبیت کف‌سازی دهلیز شرقی و چله‌خانه، زوایای تازه‌ای از لایه‌های تاریخی آن مشخص گردید. از مهم‌ترین یافته‌های مهرازی به دست آمده از این کاوش، شناسایی بقایای جرزه‌های آجری و پی شفته‌آهکی است که در زیر کف محدوده چله‌خانه قرار داشت. در داخل آن نیز بقایای آتشدان و تنورخانه به همراه سفالینه‌های بدون لعاب با رنگ نخودی و کیفیت متوسط که طبق بررسی‌های

جدول ۵. تعلق تاریخی و بیان شماتیک دوره‌های ساختمانی خانقاه و آرامگاه شیخ شهاب‌الدین اهری	
<p>تصویر ۱۸. سند ثبت مقبره شیخ شهاب‌الدین اهری در فهرست میراث ملی ایران (مرکز اسناد وزارت میراث فرهنگی، تهران).</p>	<p>تصویر ۱۹. ادوار ساختمانی و الحاقی خانقاه و آرامگاه شیخ شهاب‌الدین اهری بر مبنای مستندات (نگارندگان).</p>

علمی متعلق به ادوار سلجوقی تا ایلخانی می‌باشد، به دست آمد^{۱۴}. بر این اساس و با کنکاش در کیفیت و کمیت آثار مکشوف و ساختار سازمانی آن‌ها می‌توان اندیشه انتظام یافته در ترکیب هنجارهای متنوع کالبدی را در قالب تعلق زمانی آفرینش این بخش نمایان ساخت، و آن این‌که چه بسا بناهایی هرچند ساده که پیش‌تر از اقبال شیخ به این مکان وجود داشت و بعدها این بنیان در عهد ایلخانی و مقارن با زمان زیست شیخ شهاب‌الدین، بر روی آن‌ها شکل گرفته است؛ به هر روی، تا زمانی که کاوش‌های هدفمند و روشمند ادامه‌دار باستان‌شناسان در این محوطه به عمل نیاید بروز برخی تردیدها اجتناب‌ناپذیر خواهد ماند.

آثار معماری متعلق به بنیان اولیه و اصلی: در واقع، این آثار دربرگیرنده بخش‌هایی است که از طریق معیارهای سنجشی هم‌چون: نوع مصالح سازند، تکنیک‌های اجرا، اسناد و مدارک تاریخی و... محتمل است که همگی تعلق خاطری به یک دوره تاریخی داشته و هم‌زمان با دوران آفرینش بنیان‌های نخستین هستند. خانقاه اولیه، شامل بخش‌هایی با کارکرد چله‌خانه، اتاق استراحت و مطبخ، به صورت یک مجموعه مستقل در جانب شمال شرقی مجموعه قرار دارد و ورودی آن در قسمت شمال و هم‌راستا با ایوان تعبیه شده است که می‌توان زمان احداث آن را به نیمه اول قرن هفتم هجری قمری در عهد ایلخانی منتسب دانست؛ هم‌چنین در پوشش بنا، از شیوه تاق و تویزه استفاده شده که در بخش فوقانی جهت سبک‌سازی، از اصل صندوقه‌چینی بهره گرفته شده است. در نهایت، با دقت در نقل قول‌ها و مرور مدارک موجود و دانستن این‌که، این بخش از مجموعه در کالبد خود، شامل فضاهایی است که بیشترین کارکردها برای گذران امور زندگی و نیز انجام اعمال صوفیانه را برای شیخ و مریدانش فراهم می‌نمود، لزوم نسبت دادن بنیان اولیه به این بخش از مجموعه را تقویت می‌نماید.

الحاقات پس از احداث هسته اولیه: ساختار ساختمانی در مسیر توسعه این

بنا مشتمل بر کلیه فعالیت‌های عمرانی است که از نظر سیر زمانی از دوره ساخت اولیه بنا متأخرترند. این بخش‌ها را می‌توان از نقطه نظر نوع مصالح، فنون ساخت و اسناد و مدارک تاریخی مشخص نمود. الحاقات و تحولات عمرانی صورت گرفته پس از آفرینش کالبد هسته کهن در مجموعه شیخ شهاب در سه دوره تاریخی طبقه‌بندی می‌شود.

نخست: احداث محجره سنگی (حصار) پیرامون قبر شیخ، با ایجاد فضایی محصور، حریمی با حجاب و خصوصی به حظیره (قبر) شیخ شهاب‌الدین بخشیده است. به طوری که ریزه‌کاری شگرفی که در حجاری این نرده عجیب به کار رفته، واقعاً آن را در شمار شاهکارهای هنر حجاری ایران درآورده است (کارنگ، ۱۳۵۳: ۷۸). نکته ظریفی که در این رخداد ساختمانی باید بدان توجه شود، این است که اساساً چیزی به نام بنای بر قبور در این مجموعه معنی ندارد و به جای معماری بر روی حظیره، از تدبیر دیگری، یعنی معجر سنگی منقوش و مشبک در مقام یک عنصر معمارانه برای تحدید حدود قبر شیخ و تأکید و تکریم آن بهره گرفته شده است. به نظر می‌رسد این مواجهه با مسأله ایجاد آرامگاه برای شیخ شهاب مؤید آن است که چنین اقدامی در پیش از رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران و بر مدار احکام اهل سنت و در همان عهد ایلخانی صورت پذیرفته است^{۱۵}.

دوم: ایجاد گنبدخانه (قوشخانه) و دهلیزهای جانبی. مدت زمانی بعد از ایجاد محجره پیرامون قبر شیخ، طرح معماری جدیدی در قالب طرح توسعه، در کنار خانقاه قدیمی به مرحله اجرا درمی‌آید. کیفیات این مرحله ساختمانی را می‌توان منبعث از یک تصمیم معمارانه برای ساماندهی فضای پیرامون مقبره و هم‌چنین مناسب‌سازی محیط دانست. در طرح توسعه مذکور، گنبدخانه با ایوانی رفیع با نام محلی «قوشخانه» مترتب شده است. استخوان‌بندی طرح در این مرحله، مبتنی بر احداث گنبدی تک‌پوسته و دو دهلیز شرقی و غربی است. ایوانی با مناره‌های آجری لعاب‌دار فیروزه‌ای رنگ، چسبیده به آن، همراه با ردیف ایوان‌های کوچک با تاق‌نمای آجری و فیلگوش‌های آویز محدود به خطوط و نقوش اسلیمی خرطوم فیلی در جوانب آن، در هیأت یک منظومه متقارن، درآمده است. اظهار نظر قطعی درباره سیر زمانی اقدامات عمرانی در این بخش از مجموعه قدری مشکل است. با این حال، آن چه از نقشه بنا، اسناد تاریخی، روابط اجزای کالبدی و کیفیت عناصر سازند بنا آشکار می‌شود، اقدامات این مرحله ساختمانی متعلق به دوره تیموری است. از جمله دلایل این نسبت در گسترش کالبد معماری مجموعه شیخ شهاب در این دوره می‌توان به استفاده از ابعاد رفیع هم‌چون: گنبد و ایوان بلند با مناره‌های چسبیده به آن، طرح تقارن در فرم نما و... اشاره نمود^{۱۶}. در این میان، مسأله انتخاب نوع معماری بخش افزوده شده به ساختمان قدیم بسیار حایز اهمیت است؛ به نوعی که با برگزیدن نوعی التزام فضایی در به‌کار بستن اصول هندسی از پیش اندیشیده شده، رعایت تناسب میان ابعاد فضاها با توجه به اصول ایستایی و در نظر گرفتن عملکرد این فضاها برای برآوردن نیازهای جسمی و روحی کاربران آن، به انجام رسیده است.

سوم: الحاق مسجد، ایوان شرقی و حجره‌های جنوب صحن در مجموعه و ضمائم در محوطه، هم‌چون: کره‌نی خانه و مدرسه در عهد صفوی. مسجد شیخ

شهاب به ابعاد (۹,۳۰×۶,۹۰ متر) با تاق خوانی مرکب در شرق مجموعه واقع شده است. تقریباً همه سطوح داخلی آن با گچ‌بری و نقاشی تزئین یافته و اسلیمی‌های خرطوم فیلی و خطکشی در یال‌های مختلف مقرنس‌کاری‌ها در رنگ‌های متناسب تزئین یافته است. از نکات قابل توجه این مسجد وجود دست‌خط‌های گوناگون از اشخاص مختلف به تاریخ‌های متنوع همانند: دست‌خط منسوب به «شیخ بهائی» به تاریخ ۱۰۱۸ ه.ق. بر روی دیواره جانب شرقی محراب می‌باشد، که به نوعی این مکان مقدس را به یک موزه خط مانند نموده است. در بررسی دست‌نوشته‌های موجود در داخل مسجد مشخص گردید تمامی دست‌خط‌های شناسایی شده، تاریخی بعد از سال ۱۰۱۸ ه.ق. را دارا هستند که شامل ادوار صفوی تا پهلوی هستند. در ضلع جنوبی صحن حجراتی در دو طبقه ساخته شده است که در هر طبقه چهار حجره (۳×۳/۹ متر در همکف) و در طبقه دوم با ابعادی کوچک‌تر (۲/۸۵×۳/۴ متر) احداث شده‌اند و در میانه آن، ورودی جنوبی مجموعه با نام محلی «قبله قاپوسی» (درب قبله) دارای چفد پنج‌اوهفت با نیم‌تاقی که شامل کاربندی است، قرار دارد. ایوان شرقی نیز در تلاقی ضلع جنوبی (حجره‌ها) و مسجد با چفد پنج‌اوهفت با تاقی مشتمل بر شش تویزه، رو به سوی صحن و محجره شیخ است.

در خصوص ضمائیم پیرامون مجموعه در داخل حصار خشتی با توجه به عدم انجام گمانه‌زنی‌های ملزوم تا به حال، اظهارنظر در مورد آن قدری مشکل به نظر می‌رسد؛ اما آن‌چه به ظن قوی برمی‌آید، این ضمائیم شامل: مدرسه، مطبخ و نقاره‌خانه در عهد مزبور می‌باشد. بدین صورت که ایوانی عظیم در جهت قبله و در راستای مجموعه شیخ بوده است، احتمالاً با کارکرد مدرسه؛ نظیر آن‌چه که در ارگ علیشاه تبریز شاهد آن هستیم. در این رابطه جهت برآورد صحت و سقم ادعای فوق، طرح سونداژ و گمانه‌زنی‌ها در محل‌های مشخص شده لازم و ضروری به نظر می‌رسد؛ اما به صورت فرضی می‌توان ادعایی را مطرح ساخت و آن این‌که، وجود مجموعه‌ای عظیم در قسمت جنوبی و شرقی ارسن، می‌تواند علتی آشکار برای لزوم ایجاد ورودی جنوبی و ایوان شرقی بنا محسوب شود، که مجموعه به این واسطه با آن ضمائیم ارتباط برقرار می‌کرده است (جدول ۶).

شاخصه‌های تأثیرگذار بر خوانش معماری مجموعه شیخ شهاب در فرآیند الحاقات ساختمانی

درباره کلیت خانقاه و آرامگاه شیخ شهاب و استمرار کالبدی آن در دوره‌های زمانی یادشده؛ آن‌چه مدنظر معماران و بانیان این بنا به همراه ضمائیم مورد اشاره در مراحل مختلف ساخت و الحاق بوده و کالبد معماری آن را دستخوش تغییرات نموده است؛ ایجاد انتظامی مشخص و انطباقی محسوس جهت انسجام و همگنی در دریافت کیفیت معمارانه کالبدی، به عنوان تبلور فضایی شرایط اجتماعی، فرهنگی، معماری و... زمانه خویش می‌باشد. به گونه‌ای که نمود مداخلات و الحاقات وسیع در ذهن متولیان و سازندگان در ادوار زمانی متعدد به صورت عناصر معماری برجسته‌ای تجلی یافته و به اجرا درآمده است که از آن، خانقاه و آرامگاه شیخ پابرجا مانده است. از منظر وابستگی سبکی و بارزهای معماری در یکپارچه‌سازی مجموعه از بُعد تعلق زمانی آن نیز، می‌توان به: سترگ‌سازی بنا، ایجاد نه‌ه‌از و نخیر در بدنه و سطوح

جدول ۶. بنیان اولیه مجموعه شیخ شهاب و الحاقات و افراشتهای سازه‌های متأخر آن

● مسجد، ایوان شرقی و حجره‌های جنوبی احداث شده در مجموعه در دوره صفوی. در بررسی قطع آجرهای استفاده شده در در سطوح بیرونی جزرها در مسجد و حجره‌های جنوبی صحن، ابعاد $۲۶ \times ۲۶ \times ۵/۵$ سانتی‌متر به نسبت $۴/۷a \times ۴/۷a \times a$ نمایان گشت، که پیش‌تر کاربرد وسیع این قطع آجر در ابنیه دوره صفوی مشاهده شده است^{۱۷}

● معبر سنگی مقرنس‌کاری شده پیرامون قبر شیخ. احداث شده در عصر ایلخانی.

● گنبدخانه و دهلیزهای جانبی شرقی و غربی آن از الحاقات عصر تیموری در مجموعه. همچنین در بررسی تیب غالب آجرهای مورد استفاده در این بخش در سطوح بیرونی جزرها، ابعاد $۲۰ \times ۲۰ \times ۵$ سانتی‌متر به نسبت $4a \times 4a \times a$ نمایان گشت، که این قطع آجر به کرات در ابنیه دوره تیموری استفاده شده است^{۱۷}.

● موقعیت خانقاه اولیه نسبت به مجموعه با تاریخ ساخت احتمالاً اوایل قرن هفتم هجری قمری ابعاد آجرهای استفاده شده در بدنه جزه‌های این بخش به استناد بررسی‌های میدانی و گزارش‌های مرمتی ادواری میراث فرهنگی، به صورت $۲۰ \times ۲۰ \times ۴$ سانتی‌متر به نسبت $5a \times 5a \times a$ می‌باشد که غالباً در ابنیه دوره ایلخانی بیشتر مشاهده می‌شود^{۱۸}.

● محل کشفیات باستان‌شناختی در کف چله‌خانه خانقاه، طبق بررسی‌های علمی به عمل آمده متعلق به ادوار سلجوقی تا ایلخانی می‌باشد. در پیمایش بدنه جزه‌های مذکور در بررسی قطع آجرهای به کار برده شده، ابعاد $۱۸ \times ۱۸ \times ۳.۵$ سانتی‌متر با نسبت $a \times 5.1a \times 5.1a$ بدست آمد که پیش‌تر در ابنیه دوره سلجوقی هم مشاهده می‌شود^{۱۹}.

تصویر ۲۰. معرفی عناصر معماری خانقاه و آرامگاه شیخ شهاب (نگارندگان)

اسناد و مدارک	تزیینات/افراشتهای سازه‌های	فرم معماری
از مهم‌ترین یافته‌های مهرآزی به‌دست آمده از این بخش کشف بقایای جزه‌های آجری و پی شفته آهکی به همراه سفالینه‌های بدون لعاب است که طبق بررسی‌ها متعلق به ادوار سلجوقی تا ایلخانی می‌باشد.	با توجه به بررسی‌های علمی میدانی، پی دیواره‌های خانقاه در این بخش به‌صورت مجزا بر روی جزه‌های تازه مکشوف بنا نهاده شده و این‌گونه متبادر می‌شود که این آثار نیروی مضاعفی را از سازه متأخر بر روی خود متحمل نمی‌شوند.	۱. آثار ساختمانی متعلق به پیش از زمان ساخت بنای اصلی
۱. شیخ شهاب‌الدین به فرموده شیخ رکن‌الدین سجاسی در اهر ساکن گشته خانقاهی ترتیب داده تا آخر عمر به ارشاد و هدایت عبدالله قیام می‌نمود (حشری تبریزی، ۱۳۷۱: ۱۴۶). ۲. بقعه شیخ از سده هفتم هجری قمری، دارای ساخته‌مان و تشکیلات بوده است (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۱۳۴).	تزیینات کاشیکاری سردر و معقلی‌کاری زیر سردر ورودی خانقاه	۲. آثار معماری متعلق به بنیان اولیه و اصلی (عهد ایلخانی)
سبک هنری و نحوه جاری و تزیینات همراه با نقوش اسلیمی و هندسی آن یادآور سنت‌های هنری عصر ایلخانی بوده و قرابت معنایی و شباهت فرمی با دیگر آثار سنگی دوره ایلخانی در منطقه همچون مسجد جامع اسنق، مسجد جامع ترک میانه و آثار بر جای مانده از الحاقات ایلخانی در دهکده ابازر در شهر نیر اردبیل است.	طرح محرابی مقرنس	۳. معبر سنگی دور قبر شیخ شهاب‌الدین (عهد ایلخانی)

<p>مشهور است که چون امیر تیمور گورکانی حضرت شیخ صدرالدین اردبیلی را ملاقات نمود و بعضی خوارق و کرامات از آن عالی صفات مشاهده نمود عرض کرد حاجتی که داری از من بخواه که برآورده است. بعد از مبالغه بسیار، شیخ استدعای بنای قبه‌ای بر سر قبر شیخ شهاب‌الدین نمود. امیر تیمور آدم فرستاد و چنان که شیخ صدرالدین فرموده بود بنا کرد (محمد کاظم بن محمد، ۱۳۸۷: ۲۴۳-۲۴۲).</p>	 <p>گنبد بصورت تک پوسته شاپرک سنوسه</p>	 <p>کلیت مجموعه پس از الحاقات عهد تیموری</p> <p>الحاقات دوره تیموری</p> <p>۴. الحاقات ساختمانی و کلیت معماری مجموعه شیخ شهاب‌الدین (عهد تیموری)</p>
<p>۱. به استناد کتاب تاریخ عباسی و به نقل از ملاجلال: «شاه عباس [اول] در سال ۱۰۱۶ هـ.ق [...] به زیارت سلطان‌العارفین و قطب‌السالکین شاه صفی رفته [...] و از راه اهر بعد از زیارت شیخ‌الشيوخ حضرت شیخ شهاب‌الدین اهری [...] مقرر فرمودند که در سر تربت شیخ شهاب‌الدین اهری مسجد، مدرسه و مطبخ بسازند [...] و بطالع ثور بنا نهادند» (وحید نیا، ۱۳۶۶: ۳۲۶، ۳۸۵). ۲.</p>	 <p>پوشش تاق و تویزه در مسجد مجموعه</p>	 <p>کلیت مجموعه پس از الحاقات عهد صفوی در مجموعه</p> <p>الحاقات دوره صفوی در مجموعه</p>
<p>مؤلف کتاب عالم‌آرای عباسی، در ردیف آثار خیر و انشاء و احداث عمارات که به اراده شاه‌عباس اول تحقق یافته بود ند، چنین اشاره می‌نماید: «ترتیب عمارات عالیه تربت شریف حضرت سلطان‌الاولیاء و المحققین شیخ شهاب‌الدین اهری قدس سرهما و باغ بهشت‌آسای آن روضه فیض‌انتما» (ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۱۱۰). ۳. مرحوم ترابی طباطبایی با بررسی جزئیات اجرایی و تزئینات مربوط به مسجد مجموعه با بقعه امین‌الدین جبرئیل در کلخوران اردبیل، این دو بنا را هم‌دوره دانسته و این که هر دو به امر شاه عباس ساخته شده است (ترابی طباطبایی، ۱۳۸۴: ۴۸).</p>	 <p>نقش ستاره شش‌پر در تزئینات منقور بر سردر ایوان شرقی مجموعه.</p> <p>طرح گره‌چینی دیوار مسجد مجموعه و اجزای</p>	 <p>بقایای جزرهای مدفون در بخش شرقی مجموعه</p> <p>ساختمان نقاره‌خانه در جانب شمال شرقی مجموعه که در سال ۱۳۲۰ هـ.ش. تخریب گردید.</p> <p>بقایای از ته رنگ بناهای مدفون در جانب جنوب و شرق مجموعه.</p> <p>ضمایم جنوبی و شرقی خانقاه و آرامگاه شیخ شهاب نقاره‌خانه</p> <p>ته رنگ بقایای آثار مدفون در بخش جنوبی مجموعه</p> <p>۵. الحاقات ساختمانی و ضامن پیرامون مجموعه با کارکرد احتمالاً مدرسه و مطبخ (عهد صفوی)</p>

تصویر ۲۰-۲۸. روند تحولات کالبدی خانقاه و آرامگاه شیخ شهاب‌الدین اهری (آرشیو میراث فرهنگی آذربایجان شرقی و ترسیمات نگارندگان).

بنا، استفاده از پلان منتظم و ساده، کاربرد ایوان و تنوع در آن، شیوه‌های خاص تاق‌زنی^{۱۸}، گچ‌بری‌های متنوع، هم‌چنین تبعیت از قاعده‌های تقارن، انعکاس، تکرار و نظم هندسی، تعادل و مردم‌واری (فراست، ۱۳۸۵: ۸) در طراحی اشاره کرد؛ مواردی که با اندکی دقت در مفاهیم آن می‌توان به لمحاتی از پیکره‌بندی معماری ایرانی اسلامی در سبک آذری و گذر از آن به شیوه اصفهانی پی برد. در نهایت مجموع این بررسی‌ها در پی دستیابی به نتیجه ملموس و متقنی است که از آن به بازشناسی فرم اصیل و تاریخی اثر در تحولات زمان و درک ارزش‌های کالبدی و اجتماعی از جمله نقش هویتی صاحب اثر در سلسله مراتب تصوف و در ادامه هویت بخش بودن بنا، ارزش هنری و کمیاب بودن برخی آثار تزئینی (هم‌چون: محجره سنگی)، سیر خط زمانی ساخت از عهد ایلخانی تا صفوی، فنون خاص اجرایی و... تعبیر می‌شود.

جدول ۷. موجودیت کالبدی خانقاه و آرامگاه شیخ شهاب‌الدین اهری و ضمایم وابسته در سیر تحولات زمانی

دوره‌های تاریخی	موجودیت کالبدی		بازرزه‌های سبکی	
	فرم معماری: نامشخص	کالا بند: تخریب شده	مشابهت ابعاد آجر با ابنیه دوران سلجوقی	
<p>خانقاه و آرامگاه شیخ شهاب</p> <p>ضمایم جنوبی و شرقی</p> <p>نقاره‌خانه</p> <p>جانمایی مستحدثات ساختمانی در نقشه ترسیم شده در گزارش‌های هیأت باستان‌شناسی آلمانی در ایران (۱۹۷۵)</p>	۱. عهد سلجوقی تا ایلخانی: شامل بقایای پی، جرز و آثار سفالی.	فرم معماری: نامشخص	مشابهت ابعاد آجر با ابنیه دوران سلجوقی	
	۲. عهد ایلخانی: شامل دو دوره ساختمانی: (الف). زمان حیات شیخ شهاب (محل زندگی و خانقاه اولیه شیخ) (ب). بعد از وفات شیخ و در همان دوره ایلخانی (حصار پیرامون حظیره).	فرم معماری: (الف). مشخص	کالبد: سالم	دوره اول سبک آذری مربوط به عهد ایلخانی به مرکزیت تبریز: استفاده از تزئیناتی چون گچ‌بری، توجه به تناسبات عمودی بنا، تزئینات سنگی متناظر با آثار مشابه موجود در منطقه و...
	۳. عهد تیموری: شامل احداث گنبدخانه و دهلیزهای جانبی آن.	فرم معماری: (ب). مشخص	کالبد: سالم	دوره دوم سبک آذری مربوط به عهد تیموری: کاربرد ایوان، ایجاد نهایز و نخیر در بدنه و سطوح بنا، استفاده از تزئینات کاشی، مناره‌های چسبیده به ایوان، تمایل به بزرگی ابعاد و...
	۴. عهد صفوی: شامل مستحدثاتی هم‌چون (الف). مسجد، ایوان شرقی و حجره‌های جنوبی صحن (ب). نقاره‌خانه در ضلع شمال شرقی محوطه (ج). ضمایم در شرق و جنوب مجموعه.	فرم معماری: (الف). مشخص	کالبد: سالم	پلان ایوانی، پلان منتظم (مستطیلی) و ساده، تعادل و مردم‌واری، کاربردی یا رسمی‌بندی، تبعیت از قاعده‌های تقارن، انعکاس، تکرار و نظم هندسی و...
	فرم معماری: (ب). نامشخص	کالا بند: تخریب شده		
	فرم معماری: (ج). نامشخص	کالبد: مبهم		

تصویر ۳۹. گاه‌نگاری و تعلقات سبکی مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، از منظر شناخت وجوه مختلف معماری و سیر الحاقات و دوره‌های ساختمانی در روند توسعه کالبدی مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مشخص گردید. بررسی محتوای متون تاریخی، استنباط از شیوه‌های شکل‌گیری فضا در معماری دوران اسلامی ایران و مجموعه‌های عام‌المنفعه و تحلیل معماری فضایی آثار برجای مانده در بنا، نشان‌دهنده آفرینش مجموعه‌ای متأثر از آئین و ارزش‌های مسلک تصوف بوده که در قالب خانقاه ظهور یافته و بعد از وفات شیخ نیز به دلایلی هم‌چون -تکریم مقام عرفانی وی- باعث شکل‌گیری فضای آرامگاهی گردید. در بازنگری تحولات مجموعه، از دو حوزه متفاوت «گردآوری اطلاعات تاریخی» و «خوانش ساختار کالبدی مجموعه و محوطه پیرامون» بهره گرفته شد و طی مطالعات به عمل آمده مشخص گردید: این بنا با

نقشه‌ای از پیش طراحی شده نبوده و غالب تغییرات آن ناشی از بهره‌برداری مستمر در ادوار مختلف از بناست. براساس یافته‌ها و برخلاف باور برخی از منابع، که پیشینه ساخت این مجموعه را به عهد صفوی نسبت داده‌اند، با تحلیل‌های صورت‌گرفته بر روی کالبد، سبک معماری آذری و در گذار از آن، شیوه اصفهانی را در آن بروز داد. بر این مبنا، کهن‌ترین عنصر معماری در کالبد فعلی این مجموعه، قسمت‌هایی از بخش شرقی بناست که آثار و بقایایی از دوره سلجوقی دارد که بعدها و در عصر ایلخانی ساختاری محدود و با کارکرد خانقاه متعلق روزگار حیات شیخ شهاب شکل گرفت. پس از وفات شیخ و دفن پیکر وی در محوطه خانقاهش، به تدریج بناهای دیگری در دوره‌های مختلف تاریخی از جمله عهد ایلخانی، تیموری و صفوی، به مجموعه افزوده شد. به‌طور کلی دوره‌های تاریخی خانقاه و آرامگاه شیخ شهاب‌الدین اهری بدون در نظر گرفتن آثار ماقبل ایلخانی به صورت جامع در سه عهد تاریخی شامل چهار دوره تقسیم می‌شود.

دوره اول (خانقاه اولیه): در اثنای اواخر قرن ششم تا اوایل قرن هفتم هجری قمری در عهد ایلخانان و پس از مراجعت شیخ از خانقاه سجاس، مکانی جهت اقامت وی و تربیت شاگردانش بنا گردیده است؛ هم‌چنین با تکیه بر مستندات باستان‌شناسی و بررسی‌های میدانی مشخص شد، بخش خانقاه به لحاظ زمانی منفک از مسجد در جانب جنوبی آن و نه به صورت هم‌زمان مترتب شده است.

دوره دوم (احداث محجره سنگی پیرامون قبر شیخ): اواخر قرن هفتم تا اواسط قرن هشتم هجری قمری (عهد ایلخانی)، حصار سنگی مشبکی در پیرامون قبر وی ترتیب داده شد که هدف از اجرای آن، تکریم مقام عرفانی شیخ و تشخیص بخشیدن به مزار وی بود.

دوره سوم (ایجاد گنبدخانه): در اواخر قرن هشتم تا اوایل قرن نهم هجری قمری (عهد تیموریان)، احداث گنبدخانه‌ای رفیع به همراه ایوان شمالی به صورت هیبتی متقارن با مناره‌هایی بیرون‌زده از بنا در طرفین آن مترتب گردید که با تطبیق کیفیت ساخت آن با ویژگی‌های معماری رایج عصر تیموری در ایجاد مجموعه‌های معماری، لزوم مرتبط دانستن آفرینش این قسمت از مجموعه ارسن به عهد تیموری را قابل باور می‌نماید.

دوره چهارم (اقدامات عمرانی دوره صفوی): احداث مسجد، ایوان شرقی و حجره‌های جنوبی صحن و تحدید مجموعه را می‌توان، اقدامات این دوره از توسعه ساختار مجموعه برشمرد؛ اما آن‌چه که تا به حال از نظر مغفول افتاده بود ضامتی است که بقایای کالبدی آن در تصویر هوایی سال ۱۳۳۵ ه.ش. مشخص است و توصیفات کیفی آن به صورت مختصر در کتب وقایع‌نویسان سلسله صفوی مضبوط است؛ بدین صورت که در این دوره علاوه بر تکمیل بنای شیخ، مستحدثات دیگری در جوار آن در جنوب و شرق آن با کارکرد مدرسه و مطبخ و... بر حسب نیاز مجموعه و با نظر «شاه‌عباس اول» بدان افزوده شد. که به نوعی یادآور سنت ایجاد مجموعه‌های عام‌المنفعه و ابواب‌البری شده است. اما در غیاب مطالعات ناکافی و گمانه‌زنی‌های لازم تابه حال، اظهارنظرها در این خصوص توأم با احتمال بوده و قطعیت لازم را نخواهد داشت.

در نهایت، ایجاد و توسعه خانقاه و آرامگاه شیخ شهاب‌الدین اهری، محصولی از فرآیند احداث و جان‌بخشی است که در درازای زندگی شیخ شهاب و جانشینان او به ارکان وجود نائل آمده و معماران سبک آذری و اصفهانی سازندگان مجموعه در تطور زمانی تکون آن، جلوه‌ای ممتاز از ساختار معماری ایرانی را با شاخصه‌های فرهنگی، تاریخی، مذهبی، سیاسی و هویتی پدید آورده‌اند.

پی‌نوشت

۱. در متون تاریخی تصوف آمده است که معمولاً شیخ و پیر هر خانقاه در خانقاه خود دفن و بنایی بر روی آن ساخته می‌شد که جنبهٔ زیارتی و عبادی داشته است (اشراقی و جدیدی، ۱۳۸۵).
۲. برای مطالعهٔ بیشتر، ک. به: کبیرصابر و ابراهیمی، ۱۳۹۲.
۳. برای مطالعهٔ بیشتر، ک. به: Edward, 1850.
۴. برای مطالعهٔ بیشتر، ک. به: کیانی، ۱۳۶۹.
۵. برای مطالعهٔ بیشتر، ک. به: ابن‌کربلایی، ۱۳۸۳، روضات الجنان و جنات الجنان: ۲۴۹، ذیل سلسلهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی.
۶. روزگاری که شیخ شهاب در آن می‌زیست؛ به‌طور واقع‌تر و وسیع‌تر نیمهٔ دوم قرن ششم تا اوایل قرن هشتم هجری قمری، مقارن با دوران شکوفایی تصوف و اوج آن در منطقهٔ آذربایجان [در مکتب عرفانی تبریز] بود (موحد، ۱۳۸۱).
۷. برای مطالعهٔ بیشتر، ک. به: قیومی‌بیدهندی و سلطانی، ۱۳۹۳.
۸. برای مطالعهٔ بیشتر، ک. به: نیکبخت، ۱۳۸۸: ۱۹-۳۷.
۹. برای مطالعهٔ بیشتر، ک. به: کریمی‌ملایر و گذشته، ۱۳۹۶.
۱۰. نکتهٔ ظریفی که در پلان‌شناسی مجموعه نمایان می‌شود، این است که در ترتیب مراحل دسترسی به بنا، یک فضای نیم‌باز هم‌چون: ایوان، جلوخان و یا طاق‌نماها واسط ارتباط به داخل بنا از محیط بیرون است.
۱۱. مجوف ساختن فضاهای موجود بین دو سطح خارجی و داخلی به وسیلهٔ استفاده از کونال‌بندی (کنوبندی، قیدبندی و یا صندوقه‌سازی)، برای مطالعهٔ بیشتر، ک. به: فخارتهراتی، ۱۳۸۸.
۱۲. برای مطالعهٔ بیشتر، ک. به: فتاح، و همکاران، ۱۳۹۸.
۱۳. برای مطالعهٔ بیشتر، ک. به: پروندهٔ ثبتی اثر در فهرست میراث ملی، مرکز اسناد وزارت میراث فرهنگی، تهران.
۱۴. برای مطالعهٔ بیشتر، ک. به: آرشبو گزارش‌های باستان‌شناسی میراث فرهنگی آذربایجان شرقی.
۱۵. «حمداله مستوفی» صاحب کتاب نزهة القلوب در قرن هشتم هجری قمری در این خصوص می‌نویسد: «مردم اهر اهل تسنن و شافعی مذهب هستند» (مستوفی، ۱۳۸۱: ۹۵).
۱۶. برای مطالعهٔ بیشتر، ک. به: پوپ، ۱۳۲۴ و هیلن براند، ۱۹۹۸.
۱۷. برای مطالعهٔ بیشتر، ک. به: فخارتهراتی، ۱۳۸۸.
۱۸. برای مطالعهٔ بیشتر، ک. به: پیرنیا، ۱۳۸۴.

کتابنامه

- ابن‌کربلایی، حافظ حسین، ۱۳۸۳، روضات الجنان و جنات الجنان. تصحیح: محمدامین سلطان‌القرایی، تبریز: انتشارات ستوده.
- اشراقی، احسان؛ و جدیدی، ناصر، ۱۳۸۵، تصوف ایرانی قرن هفتم تا دهم هجری، بستری برای تکوین نهضت صفویان. مسکویه ۲.
- پوپ، آرتر آپم؛ و اکرم، فیلیس، ۱۳۸۷، سیری در هنر ایران، از دوران پیش از تاریخ تا امروز. جلد ۳، ترجمهٔ نجف دریابندری، ویرایش: سیروس پرهام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۴، سبک‌شناسی معماری ایرانی. تدوین: غلامحسین معاریان، تهران: سروش دانش.
- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۷، معماری ایرانی. تألیف و تدوین: غلامحسین معاریان، تهران: سروش دانش.
- ترابی طباطبایی، سیدجمال، ۱۳۸۴، آثار باستانی اهر (ارسباران). تبریز: ناشر مؤلف.

- ترکمان، اسکندریبگ، ۱۳۵۰، تاریخ عالم‌آرای عباسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حبیبی، سید محسن، ۱۳۷۵، از شار تا شهر؛ تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسینی‌استرآبادی، سیدحسین، ۱۳۶۴، از شیخ صفی‌تاشاه صفوی (از تاریخ سلطانی). به اهتمام: احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی.
- حشری‌تبریزی، محمدامین، ۱۳۷۱، روضه‌اطهار. به تصحیح: عزیز دولت‌آبادی، تبریز: انتشارات ستوده.
- دیباج، اسماعیل، ۱۳۴۶، راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی. تبریز: چاپخانه شفق.
- شکاری‌نیری، جواد، ۱۳۷۵، «دهکده صخره‌ای اباذر در شهر نیر». مجله اثر، شماره ۲۶، صص: ۶۰-۸۵.
- فخارتهرانی، فرهاد، ۱۳۸۸، شناخت سازه‌های سنتی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- فراست، مریم، ۱۳۸۵، «هم‌نواختی کتیبه و نقوش هندسی در بناهای اصفهان عصر صفوی». دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۵، صص: ۲۵-۴۴.
- قیومی‌بیدهندی، مهرداد؛ و سلطانی، سینا، ۱۳۹۳، «بنای زشتخوار: مسجد یا خانقاه؟». نشریه نامه معماری و شهرسازی، شماره ۱۳، صص: ۵۷-۷۶.
- کارنگ، عبدالعلی، ۱۳۵۳، «بقعه شیخ شهاب‌الدین اهری نمونه‌ای از بناهای عصر صفوی». مجله یغما، شماره ۳۰۸، صص: ۷۶-۸۱.
- کبیرصابر، محمدباقر، و ابراهیمی، محمدرضا، ۱۳۹۲، «بازشناسی تاریخی تحولات معماری در مجموعه شیخ شهاب‌الدین محمود اهری». فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۲، صص: ۷۱-۷۸.
- کریمی‌ملایر، حامد رضا؛ و گذشته، ناصر، ۱۳۹۶، «عناصر نمادین در معماری خانقاه‌های ایران از سده هفتم هجری تاکنون». نشریه مطالعات عرفانی، شماره ۲۵، صص: ۶۳-۸۴.
- کیانی، محسن، ۱۳۶۹، تاریخ خانقاه در ایران، تهران: انتشارات طهوری.
- گزارش‌های باستان‌شناسی در ایران، ۱۳۵۴، مترجم: سروش حبیبی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- محمدکاظم بن محمد تبریزی، ۱۳۷۸، منظرالاولیاء؛ در مزارات تبریز و حومه. تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مرتضوی، منوچهر، ۱۳۳۶، «تصوف در دوره ایلخانیان». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۴۲، صص: ۲۹۷-۳۳۷.
- مشکور، محمدجواد، ۱۳۴۹، نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- مطالعات بافت فرسوده اهر، ۱۳۹۳، وزارت راه و شهرسازی، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، شرکت مهندسی مشاور شارستان.

- ملا جلال‌الدین منجم، ۱۳۶۶، تاریخ عباسی. به‌کوشش: سیف‌اله وحیدنیا، تهران: انتشارات وحید.
- موحد، صمد، ۱۳۸۱، صفی‌الدین اردبیلی؛ چهره اصیل تصوف آذربایجان. تهران: انتشارات طرح نو.
- موحد، محمدعلی، ۱۳۷۵، شمس تبریزی. تهران: انتشارات طرح نو.
- موذن، سجاد، ۱۳۹۶، «دوره‌بندی تاریخی کالبدی مسجد جامع ساوه». دوفصلنامهٔ مرمت و معماری ایران، شمارهٔ ۱۳، صص: ۳۵-۴۸.
- نژادابراهیمی، احد، ۱۳۸۱، طرح پژوهشی مرمت و احیاء بازار اهر. تهران: مرکز آموزش عالی میراث‌فرهنگی.
- نصر، سیدحسین، ۱۳۸۲، آموزه‌های صوفیان؛ از دیروز تا امروز. ترجمهٔ حسین حیدری و محمد هادی امینی، تهران: انتشارات قصیده‌سرا.
- نیکبخت، محمدرضا، ۱۳۸۸، خانقاه و آرامگاه چلیپی اوغلو تجربه‌ای در مرمت و احیاء. تهران: انتشارات گنج هنر.
- وفایی، محمد، ۱۳۷۵، احوال و آثار اوحدالدین کرمانی. تهران: انتشارات ما.
- ولی‌قلی بن داود قلی شاملو، ۱۳۷۱، قصص الخاقانی. با تصحیح و پاورقی: سید حسن سادات ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد ۱.
- ویلبر، دونالد، ۱۳۶۵، معماری اسلامی ایران در دورهٔ ایلخانان. ترجمهٔ عبدالله فریار، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- هیلن براند، رابرت، ۱۳۷۷، معماری اسلامی (فرم، عملکرد و معنی). ترجمهٔ ایرج اعتصام، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

- Edward, F., 1850, *History of the Assyrians*. Chaldeans, Medes, Lydians and Carthaginians, 135 p.